

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پویان
۲۵ مارچ ۲۰۲۵

جعل فیسبوی حقایق در مورد چگونگی اعدام زنده یاد مجید

کانال فیسبوی "جمهوری پنجم" به مسؤولیت رزاق مأمون در برنامه شماره ۴۸۱۱ پنجشنبه مؤرخ ۲۰ مارچ ۲۰۲۵ گزارشی را تحت عنوان «گلوله باران عبدالمجید کلکانی به روایت شاهد اول!» با نیت تأثیر گذاشتن بر شنوندگان برانگیختن احساسات آنان، به دست امواج سپرد. از آنجائی که قضیه پیچیده و متعدد الجوانب دستگیری و به رگبار بستن نماد ستوده و بی بدیل رزم آزادی زنده یاد مجید بانی و رهبر "ساما" تا هنوز در هاله ای از ابهامات و در ورای گزارش های سودجویانه پنهان مانده است و همگان اعم از دوستان و دشمنان مجید و "ساما" اشتیاق شنیدن حقیقت موضوع را دارند، نشر این گزارش احساسات افراد زیادی را برانگیخته و تحسین مجید و نفرین جلدانش (به ویژه رئیس فعلاً معدوم دستگاه شکنجه و آدمکشی خاد – نجیب جلال) را در پی داشت و به قول مولانا "هر کس به گمان خود او را صفتی بخشید".

از دیرباز بدین سو معمول بوده است که متصدیان سود جوی و غیرمنضبط نشرات چاپی یا الکترونیک در عین ناآشنائی با اصول ژورنالیزم، هر از گاهی موضوعات جذاب (catchy) را سوژه و دستمایه نشرات و گزارش های خبری عامه پسند خود می سازند. هدف این کار جلب مشتری، خواننده و مخاطب و سود جوئی و بازار گرمی (به اصطلاح عوام بازار تیزی) است. در فرهنگ رسانه ئی به این کار پوپولیزم رسانه ئی (عوام فریبی یا عوام گرایی) می گویند. از طرز تهیه گزارش ر. مأمون و استماع آن برمی آید که گزارش مغشوش و فاقد منبع شناخته شده بوده و بدون استناد به منبع شناخته شده اولی از قول فرد مجهول الهویه (راننده وسیله زرهی) به نقل از شنیدگی فرد موهوم یا استخباراتی دوم (صاحب منصب) توسط شخص سوم (رزاق مأمون) به صورت هواپندان و بدون مستندات سرهم بندی شده و از حقیقت موضوع اعدام زنده یاد مجید به دور است. به باور ما انگیزه های چندی در این گزارش جعلی و جعل حقایق توسط رزاق مأمون نهفته است:

نخست – پوپولیزم رسانه ئی با نیت بازار گرمی؛

دوم – مهم تر از مورد فوق، با نیت تفرقه افکنی قومی – زبانی: همدریف ساختن شخصیت قومی و فرمانطقه ئی مجید باورمند به مبارزه طبقاتی و آزادیبخش و محور وحدت ملی خلق افغانستان، با شخصیت های مرتجع تاجیک تبار و سوء استفاده از بلند آوازی و اعتبار ملی – اجتماعی و شهرت نیک مجید جاودان در فعالیت های سکتاریستی و تجزیه طلبانه خراسان بازان ضد افغانستان و ضد وحدت ملی اقوام برادر کشور. این سوء استفاده از نام و اعتبار مبارزاتی

مجید به نفع ارتجاع قومی تجزیه طلب و ضد افغانستان در حالی صورت می گیرد که مجید به مثابه یک شخصیت مبارز مترقی و آزادیخواه شخصیتی بود. فراقومی و فرامنطقه‌ئی، باورمند به مبارزه طبقاتی و محور و ممثل وحدت ملی توده های اقوام برادر و برابر کشور. او نه پشتون بود، نه تاجیک، نه هزاره، نه اوزبیک و نه ترکمن؛ مجید فقط فرزند آگاه و خادم خلق افغانستان بود.

جلادان و شکنجه گران مجید هر یکی عضو حزب حاکم دموکراتیک خلق و دستگاه شکنجه و آدمکشی خاد بودند. آنان مجید را نه به دلیل تعلق قومی خود و تعلق قومی مجید، بلکه به دلیل دشمنی با اندیشه و موضع مترقی و ضد استعماری که داشت، وی را زندانی تعذیب، توهین، شکنجه و اعدام کردند و این کار جزء طینت آن جلادان بود. آنها مجید را به مثابه نماد و ممثل راستین وحدت رزمنده ملی ضد استعماری - ارتجاعی خلق افغانستان و علم بردار نبرد آزادی ملی و اجتماعی می دیدند و با ترسی که جلادان پرچم و خلق و ارباب اشغالگر روسی آنان از مجید داشتند، او را با دستپاچگی شکنجه و اعدام کردند؛

سوم - در حالی که حقایق مربوط به دستگیری، محاکمه و اعدام مجید در بیدادگاه مزدوران و جلادان سوسیال فاشیسم روسی در آرشیف اسناد استخباراتی "خاد" و "کی جی بی" و اخلاف آن دور از دسترس مردم و دوستداران و همزمان زنده یاد مجید محفوظ است، نشر این نوع گزارش های غیرمستند، غیرمسئولانه و ناستوده به منظور اغتشاش آفرینی استخباراتی در نزد مخاطبان، صورت می گیرد.

بناءً، بر روی این دلایل، حقایق و قواعد مستند سازی فوق الذکر همراه با ابهام در مسأله و پنهان کاری استعماری - ارتجاعی جلادان مجید می رساند که این گزارش جمهوری پنجم سراپا معجول، غیرروشنگرانه، اغتشاش آفرین، واهی و سوجدویانه است، نه بیان حقیقت اعدام پیشگام نبرد آزادی - زنده یاد مجید.

اما در میان موجی از تحسین و انزجار دوستداران مجید و زنده باد ها و روحش شاد گفتن ها که خود بیانگر احساسات و جهان نگرى هر یکی از هموطنان در قبال داستان به خون کشیده شدن مجید است، یکی هم تبصره ای بود در ظاهر به اسم خانمی ناشناخته و مرموز "ریحانه" که توسط یک فرد مرموز هزار چهره به اسم مستعار "شفق همراه" که در هر مناسبتی با هر کس و ناکس همراه است، پُست شد. این تبصره که چند ساعت بعد حذف شد، در عین ابراز شک و تردید در درستی گزارش رزاق مأمون، با استناد به گزارش نشر شده، پرخاشگری مجید اسیر و دست بسته را در درون وسیله زرهی (بیردیم) در برابر شکنجه گران و جلادانش دور از متانت و وقار مجید ارزیابی کرده و انتظار داشته است تا مجید دست بسته حین برده شدن به سوی اعدامگاه، سر به زیر، مطیع و با متانت و رضایت و به شیوه "متمدنانه" با جلادانش همکاری می کرد. چه انتظار باطلی از قهرمان جانباز توده های به پاخاسته کشور - زنده یاد مجید!

مبارزه زندانی در زندان ادامه مبارزه در بیرون از زندان است. هر نوع سکوت، ضعف، ناستواری زندانی در برابر جلادانش، شکست اراده زندانی در برابر اراده زندانبانان و شکنجه گرانش معنی می دهد. این مبارزه علیه دشمن و سر پیچی از دساتیر آنان و مقاومت در برابر شدايد زندان تا زمان اعدام یا رهائی زندانی ادامه می یابد. تسلیم و رضای زندانی در قبال سرنوشت و همکاری توأم با سکوت و متانت در برابر دشمن جلد، به معنای نابودی فرد زندانی است. البته این انتظار عبث تسلیم طلبانه خانم "ریحانه" و "شفق همراه" از مجید در برابر اراده جلادان خاد و دعوت از وی برای گام برداشتن به سوی نابودی شخصیتی، انتظاری نبود که مجید می توانست با پرداختن قیمت گزاف، آن را برآورده کند. چنانچه در این گزارش رزاق مأمون نیز مشاهده می شود، مجید زندانی لحظاتی قبل از اعدام با تمثیل غرور حماسی خلق به پا ایستاده افغانستان پرخاشگری انقلابی و آزادیخواهانه را بر به اصطلاح وقار، خونسردی مگر

در اصل تمکین و اطاعت تسلیم طلبانه که انتظار دشمن نیز بود، ترجیح داد. در آن لحظه مجید می دانست که به سوی اعدام می رود. لذا، او با متانت و مقاومت حماسی در برابر جلادانش، مغرور و سرافراز به سوی جاودانگی شتافته و با اعدامش زندگی دیگر یافت. سکوت توأم با رضایت با گردن پت و سر خمیده کار زندانیان دل شکسته ایست که پس از شکستن، به رغم همکاری با زندانبانان در اوج ذلت و خواری حین رهائی از زندان و انتقال به آدرسی در بیرون، با ذلت تمام سوار "دیگ بخار" شدند، ولی از مقاومت و پرخاشگری دوری جستند.

در نتیجه این استواری، ایستادگی و مقاومت حماسی مجید در زندان جلادان اشغالگر روسی، در گذر زمان هنوز هم خودش، اندیشه اش و آرمان انقلابی و آزادیخواهانه اش برای رهائی ملی و اجتماعی توده های ستمکش کشور زنده و مطرح است و خود زنده یاد مجید با زمان ره پیموده و ناظر بر پندار و کردار همزمان استوار و ناستوارش است. مجید همراه با داور تاریخ در مورد مدعیان جدی و راستین و مدعیان کاذب و ریاکار دوستی با مجید و آن منحرفانی که به راه و آرمان مجید پشت و خیانت کردند، به قضاوت می نشیند. در خاتمه می توان به جرأت نوشت که در حالی که مجید با پا گذاشتن در سرزمین بی مرگی زنده جاوید شد، منحرفان از راهش سر شکستگی و سرافکندگی تاریخی را تا ابدیت نصیب خواهند شد.